



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۵/۰۳

شاه محمود محمود

قلعه قدیمی بالاحصار و دیوارهای کابل

دیوارهای باستانی کابل از بالاحصار، ارگ باستانی یا قلعه بلند شروع می شود. این دیوارها هفت متر یا ۲۳ فوت ارتفاع؛ و ۳،۷ متر یا ۱۲ فوت ضخامت یا عرض دارد، که با برج های دارای موقعیت ستراتیژیک کوه آسمایی و شیردروازه را احاطه نموده است، دیوارهای کابل به طور کلی به دوره آشفته یفتلی ها در طول قرن پنجم میلادی اعمار گردید. و در قرن هجده میلادی در زمان احمدشاه درانی با اضافات مجدداً تعمیر و بازسازی گردید.

بالا حصار کابل:

با ارتفاع ۱۵۰ فوت از دشت و زمین هموار، شاهد اکثر وقایع مهیج تاریخ افغانستان تا بهار سال ۱۸۸۰ م بود. بابر، بنیانگذار امپراطوری گورگانی در کابل و هند، در اوایل قرن شانزدهم در اینجا زندگی کرد. او بالاحصار را بسیار دوست داشت، برای زیبا سازی آن کارهای زیادی انجام داد، و شعرهایی را خواند. پادشاهان موفق به طور متناوب در آن جا حکومت می کردند یا در سیاه چال های آن فرو می رفتند. سپس در آن روز سرنوشت ساز در سپتامبر سال ۱۸۷۹ م، نماینده انگلیس، سر لوئی کیوناری و همراهان وی، در یکی از کاخ های آن در ضلع جنوبی به آتش کشیده شدند.

این اعتراض روشن علیه دخالت انگلیس در امور افغانستان، ارتش انگلیس را به اشغال بالاحصار، آویختن و به دار زدن رهبران و اعضای مهم قیام علیه انگلیس ها که از برج هایی که در حیاط آن بنا شده بود، اعدام گردیدند و داستان ویران خود را به عنوان "یک خاطره ماندگار از توانایی ما برای انتقام از هموطنان ما." ثبت نمودند (جنرال رابرتس)

دره زیبایی به جنوب و جنوب شرقی بالا حصار کابل وجود دارد که پیروان بودیسم، هندوئیسم و اسلام طی قرن ها به عبادت مشغول بودند. همچنان بقایای یک استوپه بزرگ بودایی که از دوره کوشانی - ساسانی (قرن ۳ تا ۴م) در خارج از روستای شیوکی واقع شده است، در انتهای جنوبی این دره قرار دارد. قبرستان عمومی کابل [شهدای صالحین] در زیر بالاحصار افتاده است.

شهدای صالحین:

شهدای صالحین (شهدای پرهیزگار) مقابر اولین مبلغان اسلامی به کابل که طبق روایت تاریخی، در اینجا توسط حاکمان هندو شاهی کشته شدند که تا سال ۶۴۴ م بالا حصار و شهر کابل را در اختیار داشتند. یک معبد هندویی در این منطقه باقی مانده است و همچنان چهار آرامگاه مقدس مسلمان در این جا وجود دارد. در صورت تمایل می توانید به آنها مراجعه کنید. دیوارهای بالا حصار از این طرف [شهدای صالحین] به خصوص چشمگیر و فوتوزنیک هستند.

تپه مرنجان:

در شمال بالا حصار، یک خط الراس کم ارتفاع به نام تپه مرنجان موقعیت دارد. تاریخ سکه ها این مجتمع را در دوره کوشانیان - ساسانیان از قرون ۳ تا ۴ میلادی. تندیس هایی بدست آمده که ممکن است در موزیم ملی موجود باشد. همچنان آرامگاه با گنبدی به رنگ آبی از نادرشاه (۱۹۳۳ - ۱۹۲۹ م) نیز بالای تپه مرنجان ایستاده است. محفظه پائین تر مقبره پدر بزرگ نادرشاه، سلطان محمد [طلایی]، برادر ناسکه یا اندر امیر دوست محمد (۱۸۶۳ - ۱۸۲۶ م) است. ارتفاعات تپه مرنجان منظره ای فریبنده و چشمگیر از کابل را نشان می دهد (جاده از انتهای شمال غربی، با اراضی زراعتی).

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولئ

چمن حضوری:

چمن حضوری در پای تپه مرنجان قرار دارد. این چمن میدان بازی گلف در زمان سلطنت امیر حبیب الله (۱۹۱۹-۱۹۰۱ م) بود. امروز این مکان ملاقات مورد علاقه، به خصوص در روزهای جمعه و در تعطیلات مانند جشن جمهوری (۱۷-۱۹ جون)، روز جمهوری است. گاهی اوقات مسابقات تماشایی با چادر زدن در اینجا برگزار می شود. سواران بر اسبهای با حرکات مارپیچ با نیزه های خویش خود را پائین آورده و سعی در گرفتن حلقه های کوچک که روی چمن گذاشته شده است می نمایند. این ورزش از قدیم الایام بین مردم افغانستان به خصوص جوانان مروج بود، که نماد از رزمندگی و موفقیت بالای سر دشمن است. این یک ورزش منحصر به فرد نزد سواران منطقه غزنی-کتواز میباشد. سایر برنامه های ورزشی در ورزشگاه غازی سندیوم، جنوب چمن حضوری برگزار می شود. ساختمانهای نمایشگاه جشن و کابل ننداری (تئاتر) در یک حلقه در حوالی دریاچه مصنوعی بین چمن و تپه مرنجان موقعیت دارد. یک گلدان مملو سکه های قرن ۴ تا ۶ ق م توسط کارگران منطقه جشن در سال ۱۹۳۰ م بدست آمد که نشان می دهد که این زمین بازی قرن بیستم شاید در ابتدای آغاز کار قلب این شهر بوده باشد. ممکن است سکه ها فوق الذکر در موزه ملی دیده شود.

نادرشاه مینه:

مجموعه بزرگ ساختمانهای مدرن آپارتمان به شمال - تپه مرنجان در کنار رودخانه کابل، نادرشاه مینه است که ساخت مسکن وسیع کابل با کمک اتحاد جماهیر شوروی ساخته شده و این مجموعه از محبوبیت زیادی با عنوان مکروریان شناخته شده است

مسجد عیدگاه:



از طریق دروازه شمالی وارد شوید. محوطه بزرگ مسجد عیدگاه درست در کنار سرک غازی سندیوم واقع شده است. بیشتر شهرها در افغانستان دارای مسجدی عیدگاه هستند که در آن جشن های بزرگ مذهبی برگزار می شود، به خصوص عید الفطر بعد از ماه رمضان یا ماه روزه. مطابق کتیبه ای که در مسجد دیده می شود. امیر عبد الرحمن سنگ بنای آن را با دستان خود در سال ۱۳۱۱ ه ق مساوی ۱۸۹۳ م با مراسم

بسیار زیاد که توسط همه علمای برجسته (رهبران و مشاوران دینی) و مقامات بی شماری دولتی حضور داشتند؛ گذاشت. این مسجد در چهار سال، یعنی در سال ۱۳۱۵ ه ق به پایه اكمال رسید. این مسجد ۱۴۶ متر یا ۴۸۰ فوت طول و ۴۴ متر یا ۱۴۴ فوت عرض دارد. با ۷۶ گنبد کوچک و یک گنبد مرکزی بزرگ به ارتفاع ۱۲ متر یا ۴۰ فوت میباشد. بیش از یک اتاق یا حجره دارای ۱۰ متر یا ۳۳ فوت مربع به شکل نیمه گنبدی با ظرافت در قالب گچبری ها تزئین شده با نقوش گل و تاج های روبان مشخصه ای از سبک معماری امیر عبدالرحمن تزئین شده است. در سال ۱۹۱۹ م، پادشاه امان الله خان تصمیم خود را با جدیت تمام برای شروع جنگ استقلال از پله های سمت راست درب زیر این نیمه گنبد تزئین شده اعلام کرد. حیاط مسجد دارای مساحت ۱۳۴،۰۰۸ متر مربع یا ۴۳۹،۶۸۰ فوت مربع است. [دروازه عمومی مسجد با ارتفاع بلند و مناره ها که مناسب مسجد عیدگاه بود متاسفانه با دیوار محوطه مسجد در دهه اول سالهای ۱۳۶۰ ه ش ویران گردید و به عوض محوطه سیخ گول جای آنرا گرفت]

مسجد پل خشتی:



مسجد جدید پل خشتی تازه بزرگ شده و مجدداً بازسازی شده، که در ابتدا توسط شاه زمان ساخته شده بود (۱۸۰۱-۱۷۹۳)، در مرکز شهر کابل مقابل جاده نادر پشتون وات در کنار یکی از قدیمی ترین پل های شهر، پل خشی (پل آجر)، اعمار گردیده است. کاشی های مورد استفاده برای تزئین این مسجد و خطوط جدار یا پهلو دو طبقه بی در مقابل و عقب آن، تحت نظارت یک استاد کاشی کاری از کارگاه های مساجد هرات ساخته شده است. [در گذشته این مسجد یک منزله و دارای سه دالان و هفت رواق و بیست و یک گنبد بود. در وسط هر گنبد یک یک فانوس کلان ساخت ماشین خانه کابل اویزان بود که توسط لنگر های دو طرفه

پائین و بالا میشد و تیل خاک در آن می سوخت. این مسجد به طرف بازار یک دروازه کلان داشت که بالای دروازه یک گنبد بلند و فراخ هشت ضلعی با رواق های مزین اعمار شده بود. آذان خانه مسجد بالای دروازه واقع بود. امیرحبيب الله سراج الملت والدين زمانیکه متوجه گردید جای برای نمازگزاران تنگی میکند امر نمود تا از ناحیه جنوبی احاطه مسجد وسعت داده شود تا بالاخره در زمان محمد ظاهر شاه از طرف شاروالی کابل مسجد مجدداً بازسازی و به شکل امروزی در دو منزل اعمار گردد]

بازار چهار چته:



ورودی مشهور چهار چته (چهار گذرگاه طاقدار) ممکن است در سمت چپ ، یا درست فراتر از مسجد پل خشتی بین پل و جاده میوند قرار دارد. این بازار که در قرن هفدهم ساخته شده است ، در ابتدا شامل چهار گذرگاه طاقدار بود.

دیوارها به رنگ روشن با نقاشی های مرتبط با مربع های باز با محور همانند رنگ آمیزی شده بودند. میادین بازار هنوز به راحتی قابل تشخیص هستند اما بازار در سال ۱۸۴۲ م کاملاً نابود شد. این کار توسط انگلیسی ها به به خاطر انتقام گیری نابودی یک ارتش بریتانیایی در راه رفتن به جلال آباد در اوایل همان سال انجام شد.

اگرچه هرگز زیبایی قبلی خود را به دست نیاورد ، اما بازار به سرعت اهمیت خود را به عنوان مرکز تجاری این شهر به دست آورد و هنوز هم رنگارنگ ترین بازار کابل است. ابریشم عامه ، کلاه و جلیقه دوزی شده از قندهار ، جواهرات نقره و انواع پارچه را می توان در اینجا از مغازه های ریز و درشت که در خیابان سنگفرش و یا از پشت ویتزین های مغازه ها بی شمار قرار دارد خریداری کرد.

[چته اول: به طرف شرق (سرچوک کابل) واقع بوده و در این چوک صرف برای صنف بزازان یعنی تکه فروشان اختصاص داشت و برای هر نفر دوکان جداگانه تعیین بود فاصله بین دوکان های سمت شما و جنوب در حدود بیست متر بود .

چوک دوم: در این چته دست فروشان مشغول خرید و فروش بودند در گردی یا قوسی این چوک که طرف غرب چته اول بود و طرف جنوب آن شانه سازی و طرف شمال آن قصاب کوچه قرار داشت .

چته دوم: در دوطرف چته دوم دوکان های واسکت فروشان بوده و بالای دوکان های مذکور مانند چته اول منازل ساخته شده که در آن فامیل ها زندگی می نمودند. طرف شمال بین دوکان ها سرک به طرف باغ علی مردان قرار داشت و این گذر بنام ندافی یاد می شد. در این گذر مسجد ندافان موقعیت داشت .

چوک سوم: در این چوک آئینه فروشان مشغول کسب و کار بودند چهارطرف دکاکین وجود داشت در بین این چوک لحاف فروشان، بوت فروشان و برخی دست فروشان قرار داشت .

چته سوم : این چته مانند چته اول و دوم بوده و دوکان های خورده فروشان و طرف دیگر دوکان های برای چینی فروشی قرار داشت .

چته چهارم: این چته با سرو صدای های زیاد برای صنف مسگران قرار داشت . دوکان های ساخت و خرید و فروش دیگ های مسی، سماوار، چلو صاف ، آب گردان، چمچه، نلاقه ، کفگیر، غوری دیده می شد .

چوک چهارم: در این چوک سرای امیر شیرعلی خان قرار داشت در گردی این چوک باروت فروشان و محل ترمیم اسلحه و تفنگ های چربی وجود داشت . طرف شمال این چوک دیوار بلند اعمار شده بود و دروازه بزرگ برای داخل شدن ساخته شده است و این تعمیر را سرای امیر شیرعلی خان می گفتند . زمانیکه شهرکابل به تصرف انگلیسها درآمد (۱۸۷۹م) آنها قطعات نظامی خود را که بنام گوره و گورکی یاد می شد در بالا حصار کابل و شیرپور جابجا نموده و سرای شیرعلی خان را برای زندان و دفاتر خویش تعیین نمودند .]

مینار میوند:



ادامه جاده نادرپشتون وات تا جاده میوند با مینار میوند روبرو می شویم ، بنای یادبود که یادآور شکست یک تیپ انگلیس در دشت های میوند توسط افغانها در ۴۵ میلی قندهار ، در ۲۷ جون ۱۸۸۰ م. این کتیبه از یک شعر پشتو گرفته شده است که شرح می دهد که چگونه افغان ها در حال آماده سازی برای عقب نشینی بودند که دختر جوانی ملاله را تنها با آنکه یک روز قبل عروس شده بود ، حاضر شد که سربازان را به این ترتیب به نبرد علیه انگلیس ها بکشانند :

د پانوی شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې دلېکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

که په میوند کی شهید نشوی خداپرو لالیه بی ننگی ته دی ساتینه خال به دیار له وینو کنبیردم چی شینکی باغ کی گل گلاب و شرموینه

با شنیدن این شعر و نعره حماسی ، سربازان برای نبرد و پیروزی به بیرون رفتند. این منار در سال ۱۹۵۹ م ساخته شد. [منار سپاهی گمنام تقریباً ده متر ارتفاع داشت، از خشتهای پخته به شکل استوانه یی بنا یافته و با سنگهای کاشی آبی و سیاه رویه کاری شده بود. برای ایجاد مقاومت و زیبایی، دورادور نیمهء تنهء آن با سیخ کول آهنی گلکاری گردیده، اطراف تهداب آن به یک ساحه دایروی محاط بود که در آن گل های موسمی کاشته میشد. مینار میوند اولاً آبد سپاهی گمنام و بعدها به آبد میوند مسما گردید]

مقبره تیمورشاه:



تیمور شاه، فرزند احمد شاه دورانی، در سال ۱۷۷۶ م پایتخت افغانستان را از قندهار به کابل منتقل کرد. وی یک حکومت ناخوشایند (۱۷۷۲-۱۷۹۳ م) داشت و از هرج و مرج ناشی از مرگ وی جلوگیری نتوانست. تکمیل مقبره وی، یک ساختمان هشت ضلعی عظیم که به سبک پادشاهان اولیه مغول و افغان دهلی ساخته شده است. از لحاظ طراحی مشابه مقبره پدرش در قندهار است که به هر صورت تزئین شده است در حالی که قبر تیمور شاه هیچ تزئینی ندارد. این بنا بین سالهای ۱۸۱۷ - ۱۸۱۷ م توسط عمر خان ساخته شده است. [دورادور گنبد مقبره تیمورشاه، اطاقهای کوچک و دو منزل وجود دارد، بنای گنبد از خشت پخته و چونه ساخته شده است.

مرقد را در ابتدا عمیق تر از سطح زمین حفر و جسد تیمورشاه که بعد از تعمیر گنبد در بخش تحتانی واقع شده است، گذاشتند و بعداً در صحن فوقانی اندرون گنبدی مانند آرامگاه احمد شاه درانی ساختند.]

مسجد شاه دو شمشیره:

مسجد بزرگ دو طبقه در کنار رودخانه کابل دور تر از مقبره تیمور شاه در محل مسجدی قرار دارد که در ابتدا در سال ۱۵۴۴ م اعمار گردیده بود. ساختمان فعلی به سفارش و توجه مادر شاه امان الله خان اعمار گردید . نام آن ، به معنی مسجد شاه دو شمشیر ، مربوط به یک روایت تاریخی در مورد ورود اسلام به کابل است. گفته می شود ، یک فرمانده اولیه اسلامی در یک نبرد قهرمانانه علیه نیروهای هندویی که از مقدس ترین معبد هندو کابل محافظت می کردند ، افتاد. او نبرد را رهبری کرد ، هرچند که پیش از این سر خود را در مجاورت بالا حصار از دست داده بود ، شمشیر به دست داشت.

در محل معبد هندو و مقبره وی که اکنون زیارت مهم (زیارتگاه) در کابل دفن شده است ، در کنار خیابان از مسجد واقع شده است که درگاه آن با شاخهای بزکوهی تزئین شده است. گله های کیوتر در کنار ورودی به پرواز اند. که یکی از ویژگی های جذاب بسیاری از زیارتگاه ها در سراسر افغانستان است.

کوه آسمایی:

خاطرات حکومت هندوشاهان در کابل به نام کوهی در بالای زیارت شاه دو شمشیره ثبت تاریخ است . کوه آسمایی به نام الهه آسمایی یا الهه بزرگ طبیعت ، یک نام بسیار باستانی که از دوره هندو شاهی به جا مانده است. جامعه هندوئی کابل هنوز در معبد باستانی آسمایی به این الهه که در نزدیکی زیارت شاه دوشمشیره قرار دارد عبادت می کنند.

ادامه دارد